

مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز
دوره بیست و چهارم، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۵ (پیاپی ۴۷)
(ویژه‌نامه جمعیت و توسعه)

بررسی رابطه‌ی عوامل اجتماعی و فرهنگی با نگرش دانشجویان نسبت به معاشرت و دوستی
دختر و پسر پیش از ازدواج

دکتر مجید موحد* دکتر حلیمه عنایت** محمد تقی عباسی شوازی***
دانشگاه شیراز

چکیده

یکی از پدیده‌های اجتماعی جامعه‌ی معاصر ایران در حوزه‌ی روابط بین شخصی، پدیده‌ی نوظهور معاشرت و دوستی دختر و پسر پیش از ازدواج است. این مطالعه با هدف بررسی و شناخت نگرش دانشجویان نسبت به معاشرت و دوستی دختر و پسر پیش از ازدواج و همچنین بررسی رابطه‌ی عوامل اجتماعی و فرهنگی با نگرش به این گونه معاشرت‌ها انجام شده است. در این مطالعه که به روش پیمایش صورت گرفته است، ۳۹۸ نفر دانشجوی دختر و پسر از دانشگاه‌های شیراز و علوم پزشکی شیراز مورد بررسی قرار گرفتند. چهارچوب نظری مورد استفاده در این مطالعه، نظریه‌ی تغییر نگرشی و ارزشی رونالد اینگلهارت بوده است.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ۲۵/۶ درصد از دانشجویان دارای نگرشی مثبت، ۵۰/۸ درصد نگرشی میانه و ۲۳/۶ درصد از آنان دارای نگرشی منفی به این گونه معاشرت‌ها بوده‌اند. این در حالی است که نگرش خانواده‌ها منفی تر از نگرش دانشجویان بوده است و زنان نگرش بسیار منفی‌تری نسبت به مردان به این گونه معاشرت‌ها داشته‌اند. از میان متغیرهای مورد بررسی، متغیرهای (اولویت‌های ارزشی مادی/ فرامادی، اعتقادات دینی، پایبندی به ارزش‌های دینی، نگرش خانواده، نگرش دوستان، جنسیت و میزان هزینه شخصی) دارای رابطه معنادار آماری با متغیر وابسته بوده‌اند. در تحلیل چند متغیره نیز متغیرهای مستقل موجود در مدل تحقیق توانسته‌اند در کل ۷۶/۸ درصد از واریانس متغیر وابسته را در جامعه‌ی آماری تبیین کنند که این مقدار نشانگر میزان بالای برازش مدل تحقیق می‌باشد. به طور کلی نتایج این مطالعه نشان داد که متغیرهای مربوط به فرض جامعه پذیری که بیشتر فرهنگی بودند تاثیر بیشتری بر نگرش دانشجویان داشتند تا متغیرهای مربوط به فرض کمیایی.

واژه‌های کلیدی: ۱. نگرش ۲. تغییرات اجتماعی و فرهنگی ۳. معاشرت و دوستی پیش از ازدواج ۴. اولویت‌های ارزشی مادی/ فرامادی ۵. ارزش‌های دینی

۱. مقدمه

جوامع دارای ارزش‌ها، نگرش‌ها و عادت‌های متفاوت و نسبتاً پایداری هستند که این عادت‌ها ثابت و غیرقابل تغییر نیستند. در حالی که ارزش‌ها و نگرش‌های سنتی میان نسل‌های پیشین جوامع رواج دارد، نسل‌های جدیدتر دارای ارزش‌های متفاوتی هستند. با جانشین شدن نسل‌های جوان‌تر به جای افراد نسل‌های گذشته، جهان بینی

* استادیار بخش جامعه‌شناسی

** استادیار بخش جامعه‌شناسی

*** کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

متداول در جوامع دگرگون می‌شود (اینگلهارت، ۱۳۸۳). موضوع تغییر نگرش‌ها و ارزش‌های ایرانیان به ویژه جوانان، در بسیاری از تحقیقات اجتماعی به صراحت بیان شده است (عبداللهیان، ۱۳۸۳؛ احمدنیا و مهریار، ۱۳۸۳ و آزاد و دیگران، ۱۳۷۹). تا جایی که عبداللهیان معتقد است، «ارزش‌های فرهنگی ایرانیان یا در حال شکل‌گیری و یا در حال بازتولید هستند» (عبداللهیان، ۱۳۸۳). در این میان، جوانان بیشتر در معرض تاثیرپذیری از جریانات و فرایندهای تغییر هستند و با توجه به مقتضیات ویژه‌ی این دوره، آمادگی بیشتری برای همراه شدن و پذیرفتن هنجارها و ارزش‌ها و نگرش‌های جدید و متفاوت از نسل‌های پیشین را دارند.

پدیده‌ی معاشرت و دوستی دختر و پسر پیش از ازدواج در جامعه ما پدیده‌ای است جدید، نوظهور و مدرن. چنین پدیده‌ای برای مقاطع کوتاهی در دهه‌های گذشته (پیش از انقلاب) صرفاً میان طبقات بالای شهرنشین آن هم در شهرهای بزرگ به طور محدود گسترش یافت. با شکل‌گیری انقلاب اسلامی و تأکید اهداف و ارزش‌های انقلاب بر دستورات دینی و مذهبی، چنین روابطی نفی شد و در سال‌های اخیر همراه با دگرگونی‌های ساختی و اجتماعی چون گسترش شهرنشینی، صنعتی شدن، افزایش میزان سواد، حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی، گسترش مکان‌های هم‌حضوری زنان و مردان و گسترش کمی و کیفی وسایل ارتباط جمعی، این پدیده به شکلی نوظهور و از بطن روابط بین شخصی جوانان جامعه پدید آمده است. به گونه‌ای که تحقیقات انجام شده در این زمینه از خواست و میل جوانان جامعه برای داشتن چنین معاشرت‌هایی حکایت می‌کند (آزاد و دیگران، ۱۳۷۹؛ عبداللهیان، ۱۳۸۳؛ جوکار، ۱۳۸۳ و احمد نیا و مهریار، ۱۳۸۳). علاوه بر نوظهور بودن این روابط، دین، ارزش‌های دینی و به طور کلی فرهنگ اکثریت جامعه، با اینگونه معاشرت‌ها در تناقض قرار دارد، چرا که اسلام به عنوان دین اکثریت افراد جامعه، چنین دوستی‌ها و معاشرت‌هایی را پیش از ازدواج میان دختر و پسر (نامحرم) نفی می‌کند و تنها در شرایط ویژه و با تشریفات شرعی - ازدواج موقت - آن را صحیح می‌داند.

ظهور و بروز این پدیده و تحول در روابط بین شخصی دختران و پسران جامعه، نگرانی خانواده‌ها، علما و جامعه‌ی دینی، مسئولان و برنامه‌ریزان فرهنگی و سازمان‌های جوانان را در پی داشته است. بنابراین نوع معاشرت پیش از ازدواج در جامعه ما از نظر ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی و دینی، یک مسئله‌ی اجتماعی است. «سی رایت میلز»^۱ در تعریف مسئله‌ی اجتماعی معتقد است، یک مسئله‌ی عام اجتماعی، یک موضوع عمومی است و زمانی پدید می‌آید که مردم یک جامعه متوجه می‌شوند که ارزش‌های اجتماعی آنان نادیده گرفته شده و یا به طور کلی مورد تهدید قرار گرفته است. (میلز، ۲۳: ۱۳۸۱). «دانیلین لوزیک»^۲ مسئله اجتماعی را شرایطی می‌داند که غلط، مشکل‌زا، شایع و قابل تغییر باشد و این که باید آن را تغییر داد (لوزیک، ۲۵: ۱۳۸۳). با توجه به تجربیات غرب و روندهای اجتماعی که از قبل رواج چنین معاشرت‌هایی در آن جوامع پدید آمده است به نظر می‌رسد ظهور این پدیده در جامعه ما تأثیرات ساختی را بر بسیاری از نهادهای اجتماعی می‌گذارد و می‌تواند به مرور نهاد ازدواج و خانواده را با چالش‌هایی مواجه نماید. افزایش تعداد مجردها و سن ازدواج، افزایش نرخ طلاق، کاهش نرخ ازدواج، افزایش فرزندان نامشروع، ناسازگاری‌های زنشویی و خانوادگی از جمله‌ی این موارد است (فیرینگ و فورمن، ۲۹۵: ۲۰۰۰).

این مطالعه در صدد پاسخگویی به این سوالات است، که جوانان چه نگرشی نسبت به معاشرت و دوستی دختر و پسر پیش از ازدواج دارند؟ و این نگرش چه رابطه‌ای با عوامل اجتماعی و فرهنگی آنان دارد؟ تا شاید راهگشای پژوهش‌هایی در زمینه‌ی شناخت نگرش‌های جوانان به ویژه دانشجویان، در زمینه‌ی معاشرت و دوستی دختر و پسر پیش از ازدواج گردد. زیرا با فهم نگرش و ارزش‌های جوانان درباره‌ی این مسئله می‌توان تا حدودی به پیش‌بینی رفتار آنان در آینده دست یافت و با شناخت رفتار جوانان در این زمینه، می‌توان آن‌ها را از خطرات روانی، اجتماعی و بهداشتی که ایشان را تهدید می‌کند آگاه ساخت. همچنین نتایج این مطالعه می‌تواند برای مسئولان فرهنگی جامعه در یافتن راه‌های هنجارمند، دینی و پذیرفته شده برای چنین روابط بین شخصی^۳ راهگشا باشد.

۲. مروری بر مطالعات پیشین

آزاد و دیگران (۱۳۷۹) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تحولات اجتماعی و فرهنگی در طول سه نسل خانواده

تهرانی» به مطالعه‌ی نگرش و ارزش‌های حاکم بر خانواده و ازدواج، در طول سه نسل خانواده‌ی تهرانی پرداخته‌اند. نتایج این تحقیق نشان داده است که در طی سه نسل، آن دسته از ازدواج‌هایی که با آشنایی و رفت و آمد آزاد و بدون قید و شرط دخترها و پسرها صورت گرفته افزایش یافته است. ارزش‌هایی چون حرف نزدن زن و مرد نامحرم و نظر درباره عدم دوستی دخترها و پسرها تغییر کرده است. کمتر از نیمی از افراد نمونه با دوستی دخترها و پسرها مخالفاند و بیش از نیمی از آن‌ها با قید و شرط با آن موافق‌اند.

در مطالعه‌ای دیگر جوکار (۱۳۸۳) به بررسی «مقایسه نگرش دانشجویان دانشکده‌های علوم انسانی و مهندسی دانشگاه شیراز به دوستی دختر و پسر» پرداخته است. بدین منظور، ۱۷۰ دانشجو (۸۳ نفر دختر و ۸۷ نفر پسر) از این دو دانشکده انتخاب شده‌اند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که پسران نگرش مثبت‌تری به دوستی و رابطه با جنس مخالف دارند تا دختران. همچنین نگرش دانشجویان مهندسی به چنین روابطی مثبت‌تر از دانشجویان علوم انسانی است.

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۲) در بخشی از مطالعه‌ی خود در قالب پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، به بررسی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان درباره‌ی ازدواج، همسر خوب و دوستی و معاشرت دختر و پسر پیش از ازدواج و با حجم نمونه ۴۵۸۱ نفر، با میانگین سنی ۳۲/۲ سال پرداخته است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که ۳۸/۴٪ از افراد با معاشرت و دوستی دختر و پسر موافق، ۱۱/۸٪ مردد و ۴۹/۸٪ مخالف بوده‌اند. نکته‌ی جالب توجه این که افراد ۲۰-۱۵ ساله بیشترین نظر موافق را داشته‌اند و با افزایش تحصیلات نگرش نسبت به این روابط مثبت‌تر می‌شود و بیشترین نگرش مثبت در میان محصلان و افراد مجرد بوده است.

حجم بسیار زیادی از مطالعات خارجی در رابطه با این موضوع در غرب انجام شده است که در این‌جا به یاد کرد چند نمونه‌ی آن، که به مطالعه‌ی ما نزدیک‌تر است بسنده می‌شود. بلسک و باس در مطالعه‌ای که به بررسی مقایسه‌ای زنان و مردان در دوستی با جنس مخالف درباره‌ی آشنایی، انتخاب و از هم پاشیدگی چنین روابطی پرداخته‌اند. نتایج این تحقیق با یک نمونه‌ی ۲۰۰ نفری محصل دانشجوی ۱۷-۳۲ ساله از کشورهای مختلف نشان داده است که انگیزه‌ی مردان برای آشنایی و شروع چنین روابطی تمایلات جنسی بوده و زنان با انگیزه‌ی به دست آوردن حمایت و مراقبت فیزیکی برای خودشان به دنبال چنین روابطی هستند (بلسک و باس، ۲۰۰۱).

روستوسکی و دیگران (۲۰۰۴) به بررسی تاثیر دینداری بر رفتار جنسی نوجوانان در قالب مطالعات طولی میان سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۱ پرداخته‌اند. نتایج، گویای این است که دینداری ظهور اولین عرض اندام جنسی را به تعویق می‌اندازد و در میان افرادی که نمره‌ی دینداری بالاتری دارند، روابط جنسی زود هنگام کمتر دیده می‌شود.

سالتس و دیگران (۱۹۹۴) به منظور تبیین رابطه میان نگرش به ازدواج و روابط جنسی قبل از ازدواج، ۳۴۱ دانشجوی جدید‌الورود را به روش پیمایش مورد بررسی قرار دادند. نتایج این مطالعه گویای آن بود که دختران نگرش مثبت‌تری به نسبت پسران به ازدواج دارند. همچنین دختران باکره نگرش بسیار مطلوب‌تری به نسبت دختران غیره باکره که چند شریک جنسی داشته‌اند، را دارا بودند و دخترانی که تنها یک شریک جنسی داشتند میان دو گروه قبلی قرار داشتند.

در این مطالعه سعی خواهد شد شکاف‌ها و ضعف‌هایی که در مطالعات پیشین وجود دارد، با توجه به امکانات تحقیق تا اندازه‌ی بر طرف شود و با استفاده از چهار چوب نظری مناسب علاوه بر سنجش نگرش دانشجویان درباره‌ی این معاشرت و دوستی‌ها به تبیین چرایی و چگونگی آن هم پرداخته شود. بر خلاف مطالعات پیشین که این رفتار اجتماعی را گرد محور ازدواج ارزیابی کرده‌اند، در این پژوهش، این معاشرت‌ها به عنوان پدیده‌ای ویژه و جدای از نیت ازدواج بررسی شده است.

۳. چهار چوب نظری پژوهش

پدیده‌ی «معاشرت و دوستی دختر و پسر پیش از ازدواج» و نگرش نسبت به آن را می‌توان از دیدگاه‌های نظری گوناگون و در حوزه‌های مختلف بررسی کرد. در دیدگاه‌های روانشناسی اجتماعی نظریاتی چون جذب و ربایش^۴

و نظریه‌ی دلبستگی^۵ که به دنبال تبیین چگونگی ارتباط افراد با دیگران هستند، همچنین در پی توضیحی برای روابط دوستانه و عاشقانه می‌باشند، می‌تواند به عنوان چارچوب نظری در نظر گرفته شود. در حوزه‌ی جامعه‌شناسی، با استفاده از نظریه‌های بی‌سازمانی اجتماعی و بطور کلی انحرافات، می‌توان به علل وقوع چنین ناهنجاری‌هایی در سطح خرد و کلان اجتماعی پرداخت. اما از آن‌جا که در این مطالعه به این پدیده نه به عنوان یک ناهنجاری و یک نوع انحراف بلکه به عنوان یک پدیده و واقعیت اجتماعی نگریسته شده، به دنبال تبیین دگرگونی نگرشی و ارزشی جوانان (به ویژه دانشجویان) می‌باشد؛ بنابراین از دیدگاه‌های تغییرات اجتماعی و فرهنگی، نظریه‌ی تحول فرهنگی و ارزشی/اینگلهارت^۶ به عنوان چهارچوب نظری انتخاب شده است.

نظریه‌ی تحول و دگرگونی فرهنگی و ارزشی که رونالد اینگلهارت طرح نموده و گسترش داده است، براساس نتایج چهار موج پیمایش ارزش‌های جهانی^۷ که بیش از ۸۵ جامعه در سطح جهان و ۸۵ درصد از جمعیت کل جهان را در بر می‌گیرد، تدوین، طرح و تکمیل شده است (اینگلهارت و دیگران، ۱: ۲۰۰۴). این نظریه به دنبال فهم چگونگی و چرایی تغییر و تحولات فرهنگی و ارزش‌ها و نگرش‌های جوامع است. وی درباره‌ی تغییر فرهنگ‌ها بر این باور است که هر فرهنگ، رهیافت مردم را در تطابق با محیط‌شان نشان می‌دهد و این رهیافت در بلندمدت به دگرگونی‌های سیاسی، اقتصادی و تکنولوژی پاسخ می‌دهد. جهان بینی مردم تنها به آن‌چه بزرگترانشان به آن‌ها می‌آموزند بستگی ندارد، بلکه جهان بینی آن‌ها با تجارب کلی زندگی‌شان شکل می‌گیرد و گاهی تجارب سازنده‌ی یک نسل جوان عمیقاً از تجارب نسل‌های گذشته متفاوت است (اینگلهارت، ۱۳۸۳). هرچند اینگلهارت بر تاثیر تغییرات تکنولوژیک و اقتصادی در تغییرات نگرشی و ارزشی جوامع (به ویژه غربی) تأکید بیشتری می‌کند، اما از نقش عامل دیگری نیز سخن به میان می‌آورد که خود، آن را میراث فرهنگی^۸ و اجتماعی جوامع می‌نامد (اینگلهارت و بیکر، ۲۰-۱۹: ۲۰۰۱). به طور کلی رهیافت نظریه پردازان او دو سطح سیستم (ساختاری جامعه) و سطح خرد (افراد) را مد نظر قرار می‌دهد. بدین شکل که تغییرات محیطی و کلان در سیستم جامعه به دگرگونی‌هایی در سطح فردی انجامیده و این دگرگونی‌ها در سطح خرد دارای پیامدهایی برای سیستم می‌باشد.

در مجموع نظریه‌ی تغییر نگرشی و ارزشی اینگلهارت دارای دو فرضیه پیش‌بینی کننده است که دگرگونی ارزش‌ها را تبیین می‌کند. (۱) فرضیه‌ی کمیابی^۹ که بر اساس آن اولویت‌های فرد بازتاب محیط اجتماعی و اقتصادی اوست و فرد بیشترین ارزش را برای چیزهایی قایل است که عرضه‌ی آن‌ها کم است. (۲) فرضیه‌ی جامعه‌پذیری^{۱۰} این اصل مبتنی بر این قضیه است که ارزش‌های اساسی فرد، به شکل گسترده، منعکس کننده‌ی شرایط و فرایندهای جامعه‌پذیری وی است که در سال‌های قبل از بلوغ تجربه کرده است (اینگلهارت، ۲۲۱: ۲۰۰۰). بنابراین فرضیه‌ی کمیابی به تغییرات کوتاه مدت با آثار دوره‌ای اشاره دارد، دوره‌های رونق اقتصادی به افزایش فرامادگیری^{۱۱} و دوره‌های کمیابی (رکود اقتصادی) به مادگیری^{۱۲} می‌انجامد، و فرضیه‌ی جامعه‌پذیری، دلالت بر وجود آثار بلندمدت نسلی دارد (اینگلهارت، ۱۳۸۳؛ آزاد و غفاری، ۱۳۸۳). او یادآور می‌شود که ارزش‌های فرامادگیریانه نوعی احساس امنیت ذهنی فرد را منعکس می‌کند و نه صرفاً سطح توسعه‌ی اقتصادی (پایگاه اجتماعی اقتصادی) او را. احساس امنیت فرد، زیر تاثیر زمینه‌ی فرهنگی و رفاه اجتماعی نهادهایی است که او در آن بزرگ شده و رشد کرده است. بدین ترتیب فرضیه‌ی کمیابی باید از طرف فرضیه‌ی جامعه‌پذیری حمایت شود. ساختار اساسی شخصیت فرد پیش از بلوغ شکل می‌گیرد و بعد از آن تغییرات نسبتاً کمی صورت می‌پذیرد (اینگلهارت، ۲۲۱: ۲۰۰۰).

بنابر تعبیر اینگلهارت، فرامادیون کسانی هستند که در دوران شکل‌گیری شخصیت‌شان (پیش از بلوغ)، دارای امنیت سازنده^{۱۳} بوده‌اند - یعنی دارای امنیت اقتصادی و جانی. این افراد کسانی هستند که اولویت‌های ارزشی‌شان فرامادگیریانه است چرا که آن‌ها امنیت مادی و جانی را مسلم فرض کرده‌اند. بنابراین یک دسته نیازهای دیگری برای آن‌ها مطرح می‌شود. نیازهایی چون خودشکوفایی، عشق و دلبستگی - که نیازهای سطح بالا هستند. آن‌ها کسانی هستند که به انتخاب انسانی اهمیت بسیار زیادی می‌دهند. ولی مادگیریان افرادی هستند که به دلیل نداشتن احساس امنیت سازنده - ناشی از دوران شکل‌گیری شخصیت‌شان و وضعیت اقتصادی فعلی - دارای اولویت‌های مادگیریانه هستند. اینان بیشتر بر امنیت اقتصادی و جانی تأکید می‌کنند (اینگلهارت و دیگران، ۱۱: ۲۰۰۴). همین امر منجر به

جهت‌گیری‌های بسیار متفاوت مادیون و فرامادیون نسبت به بسیاری از مسایل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی می‌شود و نگرش‌های آن‌ها را نسبت به بسیاری از هنجارهای سنتی جنسیتی مانند روابط جنسی نامشروع، فحشا، سقط جنین، طلاق و ... متفاوت می‌کند. به منزله‌ی یک تعمیم گسترده، می‌توان اظهار داشت مادیون بسیار بیشتر از فرامادیون از هنجارهای سنتی حمایت می‌کنند (اینگلهارت، ۲۲۲: ۱۳۸۳).

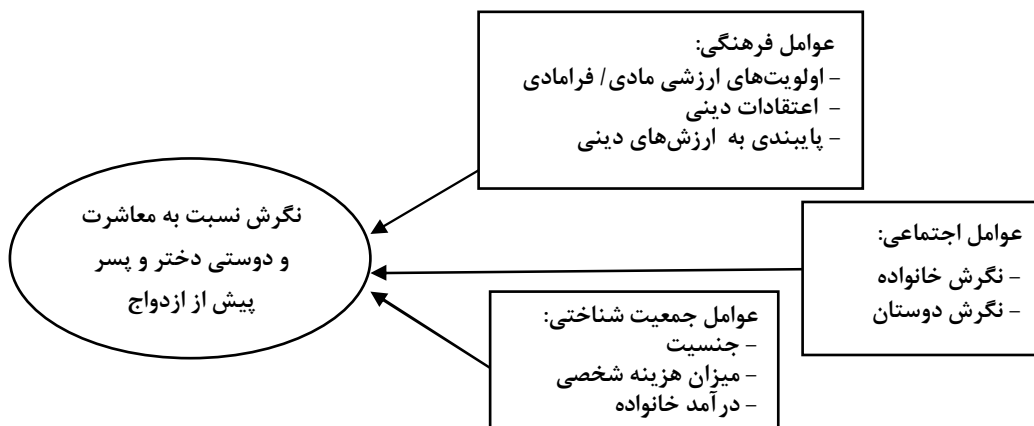
وی در آثار متاخر خود، از دو بعد اصلی و اساسی ارزش‌های بین فرهنگی^{۱۴} سخن به میان می‌آورد که با فرایندهای مدرنیزاسیون و پست مدرنیزاسیون در ارتباط است. بر این اساس جهت‌گیری‌های ارزشی افراد را می‌توان بر اساس این دو بعد با یکدیگر مقایسه کرد. این دو بعد عبارتند از:

۱. ارزش‌های سنتی در برابر ارزش‌های سکو لار- عقلانی^{۱۵}

۲. ارزش‌های بقا در مقابل ارزش‌های خودشکوفایی^{۱۶} (اینگلهارت و دیگران، ۱۱: ۲۰۰۴).

بر اساس نظریه‌ی تغییر ارزشی و نگرشی اینگلهارت، ما دو دسته متغیرها را در نظر خواهیم گرفت، یک دسته از متغیرها چون: طبقه اجتماعی، درآمد خانواده، هزینه‌ی شخصی فرد که مربوط به فرض کمیابی اینگلهارت هستند و یک دسته متغیرهای فرهنگی، چون: پایبندی به ارزش‌های دینی، اعتقادات دینی، نگرش خانواده و دوستان فرد درباره‌ی معاشرت و دوستی دختر و پسر پیش از ازدواج که مربوط به فرض جامعه‌پذیری هستند.

الگوی نظری و فرضیات تحقیق



برای پاسخگویی به سئوالات پژوهش، فرضیات تحقیق به شرح زیر ارائه می‌گردد:

۱. به نظر می‌رسد میان اولویت‌های ارزشی مادی/ فرامادی پاسخگویان و نگرش ایشان نسبت به معاشرت و دوستی دختر و پسر پیش از ازدواج رابطه وجود دارد.
۲. به نظر می‌رسد میان اعتقادات دینی پاسخگویان و نگرش ایشان نسبت به معاشرت و دوستی دختر و پسر پیش از ازدواج رابطه وجود دارد.
۳. به نظر می‌رسد میان پایبندی به ارزش‌های دینی پاسخگویان و نگرش ایشان نسبت به معاشرت و دوستی دختر و پسر پیش از ازدواج رابطه وجود دارد.
۴. به نظر می‌رسد میان نگرش خانواده‌ی پاسخگویان و نگرش ایشان نسبت به معاشرت و دوستی دختر و پسر پیش از ازدواج رابطه وجود دارد.
۵. به نظر می‌رسد میان نگرش دوستان پاسخگویان و نگرش ایشان نسبت به معاشرت و دوستی دختر و پسر پیش از ازدواج رابطه وجود دارد.
۶. به نظر می‌رسد میان درآمد خانواده‌ی پاسخگویان و نگرش ایشان نسبت به معاشرت و دوستی دختر و پسر قبل از ازدواج رابطه وجود دارد.
۷. به نظر می‌رسد میان میزان هزینه‌ی شخصی پاسخگویان و نگرش ایشان نسبت به معاشرت و دوستی دختر و

پسر پیش از ازدواج رابطه وجود دارد.

۸. به نظر می‌رسد میان جنسیت پاسخگویان و نگرش ایشان نسبت به معاشرت و دوستی دختر و پسر پیش از ازدواج رابطه وجود دارد.

۴. روش تحقیق

این پژوهش، مبتنی بر پارادایم اثبات‌گرایی و رهیافت کمی‌است، که با روش پیمایش انجام شده است (کرسول، ۶: ۲۰۰۳). جامعه‌ی آماری این مطالعه تمامی دانشجویان شاغل به تحصیل در دانشگاه‌های شیراز و علوم پزشکی شیراز می‌باشد و با استفاده از دو روش فرمول کوکران و جدول لین تعداد ۳۹۸ نفر به عنوان حجم نمونه مشخص گردید. در این تحقیق از روش نمونه‌گیری مختلط^{۱۷} استفاده شده است که جزو روش‌های نمونه‌گیری مضاعف به حساب می‌آید و برای بالا بردن میزان دقت در نمونه‌گیری استفاده می‌شود. در این پژوهش، با توجه به نوع دانشگاه، نسبت جنسی و مقطع تحصیلی، با استفاده از نمونه‌گیری سهمیه‌ای طبقه‌ای نمونه‌ای مورد بررسی مشخص گردید و افراد به صورت اتفاقی انتخاب شدند. همچنین برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه‌ی خود ایفا^{۱۸} استفاده شده است. به دلیل محدود بودن تحقیقات داخلی در این زمینه و نیز ناهمخوانی مطالعات خارجی مشابه، پرسشنامه (به ویژه طیف‌های نگرش پاسخگو، دوستان و خانواده و طیف پایبندی به ارزش‌های دینی) طراحی و تدوین گردید. برای این کار پیش از طراحی پرسشنامه، مصاحبه‌هایی عمیق با دانشجویانی که درگیر چنین روابطی بوده‌اند به عمل آمد و نیز گویه‌هایی از مطالعات خارجی، بومی‌سازی شد.

سه نوع روایی^{۱۹} برای پرسشنامه ساخته شده لحاظ شده است (الف) روایی صوری^{۲۰}، بدین صورت که سئوالات پرسشنامه به چندین تن از استادان و دانشجویان گروه‌های جامعه‌شناسی و روانشناسی دانشگاه شیراز برای داوری ارایه شد. (ب) از آن‌جا که در تدوین شاخص‌ها برای سنجش نگرش مورد نظر به تمامی ابعاد و فضاها مفهومی مرتبط با نگرش (شناختی، احساسی و تمایل به عمل، هر کدام ۱۰ گویه) توجه شده است، این پرسشنامه دارای روایی محتوایی^{۲۱} نیز می‌باشد. (ج) و از آن‌جایی که نتایج منعکس شده میان متغیرها انتظارات نظری را در سنجش نگرش و ارتباط ابعاد آن با یکدیگر برطرف کرده است، ابزار تحقیق از روایی سازه^{۲۲} نیز برخوردار بوده است (ببی، ۲۸۵-۲۸۲: ۱۳۸۱). برای اطمینان یافتن از پایایی^{۲۳} سئوالات پرسشنامه، در یک مطالعه‌ی مقدماتی که ۵۰ نفر از افراد نمونه در آن شرکت داشتند، از روش ضریب آلفای کرونباخ^{۲۴} استفاده شد. نتایج گویای آن بود که ضریب آلفای کرونباخ برای طیف‌های نگرش به معاشرت و دوستی دختر و پسر (با ۳۲ گویه) ۰/۹۶، نگرش خانواده (با ۱۰ گویه) ۰/۸۹، نگرش دوستان ۰/۸۳ و پایبندی به ارزش‌های دینی ۰/۸۹ بوده است. به منظور تحلیل داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی (توزیع درصد و فراوانی) و تکنیک‌های آمار تبیینی چون آزمون تی، تحلیل واریانس یکطرفه و رگرسیون دو و چند متغیره استفاده شد. شایان ذکر است سطح معناداری در آزمون‌های بالا ۰/۹۵، با خطای ۰/۰۵ در نظر گرفته شده است.

در تعریف متغیر وابسته «نگرش نسبت به معاشرت و دوستی دختر و پسر پیش از ازدواج» باید عنوان کرد که منظور از معاشرت و دوستی دختر و پسر پیش از ازدواج در این مطالعه، گستره‌ای از روابط میان دو جنس مخالف پیش از ازدواج است (بدون محرمت)، که با انگیزه‌های مختلفی مانند: صمیمیت، رفاقت، دلبستگی، فعالیت جنسی، تعهد، مراقبت و مبادله‌ی طرفین شکل می‌گیرد و در قالب شکل‌های دوستی چون قرارهای عاشقانه، دوستی به منظور ازدواج، دوستی‌های خیابانی، هم‌خانگی و شکل‌های دیگر تداوم می‌یابد. از آن‌جا که بیشتر نظریه پردازان و محققان در عرصه‌ی نگرش سنجی، نگرش را دارای سه بعد شناختی، احساسی و تمایل به عمل می‌دانند (کریمی، ۲۶۳: ۱۳۷۸)، در این پژوهش متغیر یاد شده، با ۳۲ گویه که هر سه بعد مفهومی نگرش (شناختی، احساسی و تمایل به عمل) را پوشش داده، در قالب طیف لیکرت سنجیده شده است. برخی متغیرهای مستقل نیز به شرح زیر می‌باشند:

۴.۱. اولویت‌های ارزشی مادی / فرامادی

تعریف نظری این متغیر در بخش نظری توضیح داده شد. برای سنجش این متغیر از مقیاس چهار ارزشی اینگلهارت استفاده شده است که در پیمایش ۱۹۷۰ مورد استفاده قرار گرفته است. بر اساس سنخ بندی اینگلهارت از

اولویت‌های ارزشی، افراد به مادیدگرا، فرا مادیدگرا طبقه بندی می‌شوند. او از دو سنخ دیگر نام می‌برد که از نظر وضعیت میان دو سنخ اولی هستند که وی آن‌ها را التقاطی می‌داند و به نسبت تمایل به سمت مادیدگرایی یا فرامادیدگرایی، التقاطی مادیدگرا و التقاطی فرامادیدگرا می‌نامد. (اینگلهارت، ۸۴: ۱۳۸۳).

۴.۲. اعتقادات دینی

منظور از اعتقادات دینی در این مطالعه، میزان اعتقاد پاسخگویان به خدا، پیامبران، قیامت، بهشت و جهنم، فرشتگان، روح و شیطان بوده است.

۴.۳. ارزش‌های دینی

ارزش‌ها به طور کلی به عقایدی که افراد یا گروه‌های انسانی در مورد آن‌چه که مطلوب، مناسب، خوب یا بد می‌باشد دارند و به آن ارج می‌نهند، اطلاق می‌شود. که یکی از این ارزش‌ها ارزش‌های دینی هستند (گیدنز، ۷۸۷: ۱۳۸۱). در این مطالعه ۱۱ گویه از احکام و ارزش‌های دینی در رابطه با روابط دو جنس آورده شده است. در تشریح آمارهای توصیفی به سنخ‌بندی افراد در متغیرهای اعتقادات و پایبندی به ارزش‌های دینی، نگرش دانشجویان، خانواده و دوستان بر اساس تکنیک آماری بوده است که در آن، دامنه‌ی نمرات دانشجویان تقسیم بر سه شده است. طبقه‌ی پایین، نمرات عنوان «پایین یا منفی» طبقه‌ی وسط، عنوان «متوسط یا میانه» و طبقه‌ی بالای نمرات «بالا یا مثبت» گرفته‌اند (کورتز، ۴۴-۴۰: ۱۳۸۳).

۵. یافته‌های توصیفی

بر اساس نتایج منعکس شده در جدول شماره ۱، از کل پاسخگویان، ۵۲/۴ درصد از آنان در گروه مادیدگرایان جای گرفته‌اند، ۲۷/۲ درصد از افراد نمونه‌ی این تحقیق التقاطی/ مادیدگرا بوده‌اند و ۱۳/۵ درصد از کل پاسخگویان التقاطی/ فرا مادیدگرا بوده‌اند. تنها ۶/۹ درصد از افراد فرا مادیدگرا بوده‌اند که از این تعداد ۹/۸ درصد از کل مردان و ۴/۵ درصد از کل زنان دارای تمایلات ارزشی فرامادیدگرایانه بوده‌اند. یک نگاه اجمالی به جدول، روندی را نشان می‌دهد که گرچه بیشترین تعداد از افراد نمونه در گروه مادیدگرایان جای دارند، با این حال هر چه از طرف مادیدگرایان به سمت فرا مادیدگرایان پیش می‌رویم از نسبت تعداد زنان کاسته شده و به تعداد مردان افزوده می‌شود. دو نکته‌ی برجسته و مهم در توزیع فراوانی و درصد افراد نمونه در نسبت گروه‌های بالا به چشم می‌خورد: (۱) بالا بودن درصد مادیدگرایان به گونه‌ای که ۵۲/۴ درصد از افراد نمونه، مادی‌گرا بوده‌اند (۲) تفاوت مردان و زنان در مادیدگرا و فرا مادیدگرا بودن. نتایج به دست آمده در این بخش در مورد نسبت مادیدگرایان و فرامادیدگرایان با نتایج مطالعات اینگلهارت (اینگلهارت و دیگران، ۲۰۰۴) و خالقی‌فر در ایران (خالقی‌فر، ۱۳۸۱) هم‌خوانی دارد.

جدول ۱: توزیع فراوانی و درصد اولویت‌های ارزشی مادی/ فرا مادی پاسخگویان بر حسب جنسیت

جمع	جنسیت		اولویت‌های ارزشی
	زن	مرد	
۲۰۶ - ۵۲/۴٪	۱۲۴ - ۵۶/۴٪	۸۲ - ۴۷/۴٪	مادیدگرا
۱۰۷ - ۲۷/۲٪	۶۲ - ۲۸/۲٪	۴۵ - ۲۶٪	التقاطی / مادیدگرا
۵۳ - ۱۳/۵٪	۲۴ - ۱۰/۹٪	۲۹ - ۱۶/۸٪	التقاطی / فرا مادیدگرا
۲۷ - ۶/۹٪	۱۰ - ۴/۵٪	۱۷ - ۹/۸٪	فرا مادیدگرا
۳۹۳ - ۱۰۰٪	۲۲۰ - ۱۰۰٪	۱۷۳ - ۱۰۰٪	جمع

اعتقادات دینی و پایبندی به ارزش‌های دینی پاسخگویان بر حسب جنسیت نیز در جدول شماره ۲ آمده است. بررسی این جدول نشان می‌دهد، تنها ۴ درصد از افراد نمونه دارای اعتقادات دینی پایینی بوده‌اند. مقایسه درصد زنان و مردان در طبقه‌ی اعتقادات پایین نشان می‌دهد که ۵/۷ درصد از کل مردان و تنها ۲/۷ درصد از کل زنان دارای اعتقادات دینی پایینی بوده‌اند. درصد افراد با اعتقادات دینی متوسط ۱۰/۶ درصد از کل پاسخگویان بوده است. ۱۳/۱

درصد از دانشجویان مرد و ۸/۵ درصد از دانشجویان زن در گروه اعتقادات دینی متوسط جای گرفته‌اند. همچنین بیشترین درصد افراد نمونه، یعنی: ۸۵/۴ درصد دارای اعتقادات دینی بالایی بوده‌اند. (۸۱/۱ درصد از کلیه‌ی پاسخگویان مرد، و ۸۸/۸ درصد از کلیه‌ی پاسخگویان زن). همچنین این جدول گویای توزیع فراوانی و درصد پایبندی افراد به ارزش‌های دینی بر حسب جنسیت نیز می‌باشد. آن گونه که از این جدول بر می‌آید، ۴۰/۲ درصد از کل افراد نمونه، دارای پایبندی کمی به ارزش‌های دینی بوده‌اند (۴۹/۷ درصد از کل مردان و ۳۲/۷ درصد از کل زنان). همچنین ۴۴/۵ درصد دارای پایبندی به ارزش‌های دینی متوسطی بوده‌اند (۳۸/۳ درصد از کل مردان و ۴۹/۳ درصد از کل زنان). تنها ۱۵/۳ درصد از کل دانشجویان، دارای پایبندی زیادی به ارزش‌های دینی داشته‌اند (۱۲ درصد از مردان و ۱۷/۶ درصد زنان پاسخگو).

بررسی جدول گویای آن است که الگوی توزیع فراوانی و درصد افراد در قسمت پایبندی به ارزش‌های دینی به طور کلی متفاوت از توزیع فراوانی و درصد اعتقادات دینی پاسخگویان می‌باشد. جدول مذکور دو بعد دینداری افراد را نشان می‌دهد (اصول اعتقادی و ارزش‌های دینی مربوط به روابط دختر و پسر). مقایسه‌ی نحوه‌ی توزیع افراد گویای آن است که نمرات افراد از نظر اعتقادات دینی بسیار بالا است آن گونه که ۸۵/۴ درصد از افراد دارای اعتقادات دینی بالایی بودند و تنها ۴ درصد در طبقات پایین جای داشتند. در حالی که نمرات افراد از نظر پایبندی به ارزش‌های دینی نشان می‌دهد که پایبندی به این ارزش‌ها بسیار پایین‌تر از اعتقادات دینی می‌باشد. آن گونه که ۴۰/۲ درصد از کلیه‌ی دانشجویان از نظر پایبندی به ارزش‌های دینی در طبقه‌ی پایین قرار دارند. این مشاهده بیانگر آن است که ارزش‌ها و هنجارهای دینی میان دانشجویان جایگاه قابل قبولی ندارند و این ارزش‌ها در دانشگاهها با چالش روبه‌رو هستند. این امر گویای آن است که افراد در این باره در حال یک « نوع گذار ارزشی » از ارزش‌های سنتی و دینی به سمت ارزش‌های مدنی، مدرن و سکو لار هستند.

جدول ۲: توزیع فراوانی و درصد پایبندی به ارزش‌های دینی و اعتقادات دینی پاسخگویان بر حسب جنسیت

جمع	اعتقادات دینی		پایبندی به ارزش‌های دینی		جمع	
	جنسیت		جنسیت			
	دختر	پسر	دختر	پسر		
۱۶	۶	۱۰	۱۶۰	۷۳	۸۷	پایین
%۴	%۲/۷	%۵/۷	%۴۰/۲	%۳۲/۷	%۴۹/۷	
۴۲	۱۹	۲۳	۱۷۷	۱۱۰	۶۷	متوسط
%۱۰/۶	%۸/۵	%۱۳/۱	%۴۴/۵	%۴۹/۳	%۳۸/۳	
۳۴۰	۱۹۸	۱۴۲	۶۱	۴۰	۲۱	بالا
%۸۵/۴	%۸۸/۸	%۸۱/۱	%۱۵/۳	%۱۷/۹	%۱۲	
۳۹۸	۲۲۳	۱۷۵	۳۹۸	۲۲۳	۱۷۵	جمع
%۱۰۰	%۱۰۰	%۱۰۰	%۱۰۰	%۱۰۰	%۱۰۰	

توزیع فراوانی و درصد نگرش خانواده‌ی پاسخگو، نگرش دوستان پاسخگو و نگرش کلی پاسخگو نسبت به معاشرت و دوستی دختر و پسر پیش از ازدواج بر حسب جنسیت در جدول شماره (۳) نشان داده شده است. همان گونه که مشاهده می‌شود ۳۳/۲ درصد از کلیه‌ی خانواده‌های پاسخگویان دارای نگرش منفی نسبت به معاشرت و دوستی دختر و پسر پیش از ازدواج بوده‌اند (۲۴/۶ درصد از دانشجویان مرد و ۳۹/۹ درصد از دانشجویان زن). ۴۶/۲ درصد از خانواده‌های دانشجویان دارای نگرش میانه بوده‌اند (۵۰/۳ درصد از دانشجویان مرد و ۴۳ درصد از دانشجویان زن). ۲۰/۶ درصد از کلیه‌ی پاسخگویان دارای خانواده‌هایی با نگرش مثبت بوده‌اند (۲۵/۱ درصد از دانشجویان مرد و ۱۷ درصد از دانشجویان زن). همچنین مشاهده می‌شود که ۹/۱ درصد از کل مردان و ۲۸/۳ درصد از کل زنان، دارای دوستانی با نگرش منفی بوده‌اند. بیشترین درصد افراد (۵۷/۸ درصد) متعلق به دانشجویانی است که دارای دوستانی با نگرش

متوسط بوده‌اند. در این میان ۵۳/۷ درصد از پاسخگویان مرد و ۶۱ درصد از پاسخگویان زن، دارای دوستانی با نگرش متوسط بوده‌اند. ۲۲/۴ درصد از کل پاسخگویان دارای دوستانی با نگرش مثبت بوده‌اند. نکته مهم در این جدول، نگرش منفی‌تر دوستان دانشجویان زن به نسبت دوستان دانشجویان مرد است، آن‌گونه که درصد زنان که دارای دوستانی با نگرش منفی به معاشرت و دوستی دختر و پسر پیش از ازدواج هستند بیش از سه برابر مردانی است که دارای دوستانی با نگرش منفی هستند. این روند در تمامی طبقات جدول مشاهده می‌شود در طبقه‌ی نگرش میانه، درصد زنان با نگرش میانه، بیشتر از مردان است. این در حالی است که نگرش دوستان مردان در طبقه، نگرش مثبت بیش از ۳ برابر، درصد زنانی است که دارای دوستانی با نگرش مثبت هستند.

علاوه بر آن همان‌گونه که در جدول مشاهده می‌شود از کل پاسخگویان، ۲۳/۶ درصد، خود، دارای نگرش منفی بوده‌اند (۱۳/۱ درصد دانشجویان مرد و ۳۱/۸ درصد دانشجویان زن). می‌توان گفت درصد زنان با نگرش منفی ۲/۵ برابر درصد مردان با نگرش منفی بوده است. بیشترین درصد از دانشجویان مورد مطالعه یعنی ۵۰/۸ درصد از کل پاسخگویان دارای نگرش متوسط بوده‌اند، که نیمی از افراد نمونه را شامل می‌شود (۴۴ درصد دانشجویان مرد و ۵۶/۱ درصد دانشجویان زن). مشاهده می‌شود که درصد دو گروه جنسیتی در گروه نگرش متوسط نیز تفاوت زیادی وجود دارد اما تفاوت فاحش این دو گروه در طبقات نگرش منفی و مثبت مشاهده می‌شود. ۲۵/۶ درصد از کل پاسخگویان دارای نگرش مثبت بوده‌اند (۴۹/۹ درصد از مردان و ۱۲/۱ درصد از دانشجویان زن). آن‌گونه که ۸ درصد مردان با نگرش مثبت حدوداً ۴ برابر درصد زنان با نگرش مثبت می‌باشد.

جدول ۳: توزیع فراوانی و درصد نگرش خانواده، نگرش دوستان و نگرش پاسخگویان به معاشرت و دوستی دختر و

پسر پیش از ازدواج بر حسب جنسیت

نگرش کلی پاسخگو		نگرش دوستان				نگرش خانواده			جهت گیری
جمع	جنسیت		جمع	جنسیت		جمع	جنسیت		
	دختر	پسر		دختر	پسر		دختر	پسر	
۹۴	۷۱	۲۳	۷۹	۶۳	۱۶	۱۳۲	۸۹	۴۳	منفی
%۲۳/۶	%۳۱/۸	%۱۳/۱	%۱۹/۸	%۲۸/۳	%۹/۱	%۳۳/۲	%۳۹/۹	%۲۴/۶	
۲۰۲	۱۲۵	۷۷	۲۳۰	۱۳۶	۹۴	۱۸۴	۹۶	۸۸	میانه
%۵۰/۸	%۵۶/۱	%۴۴	%۵۷/۸	%۶۱	%۵۳/۷	%۴۶/۲	%۴۳	%۵۰/۳	
۱۰۲	۲۷	۷۵	۸۹	۲۴	۶۵	۸۲	۳۸	۴۴	مثبت
%۲۵/۶	%۱۲/۱	%۴۹/۹	%۲۲/۴	%۱۰/۸	%۳۷/۱	%۲۰/۶	%۱۷	%۲۵/۱	
۳۹۸	۲۲۳	۱۷۵	۳۹۸	۲۲۳	۱۷۵	۳۹۸	۲۲۳	۱۷۵	جمع
%۱۰۰	%۱۰۰	%۱۰۰	%۱۰۰	%۱۰۰	%۱۰۰	%۱۰۰	%۱۰۰	%۱۰۰	

چند نکته‌ی مهم در جدول بالا نهفته است:

۱. نگرش منفی‌تر زنان به نسبت مردان به این‌گونه معاشرت‌ها و دوستی‌ها در هر سه قسمت جدول بالا (نگرش خانواده، نگرش دوستان و نگرش کلی پاسخگو) به گونه‌ی آشکاری دیده می‌شود. درصد نگرش منفی خانواده‌های زنان، دو برابر بیش از نگرش منفی خانواده‌های مردان نمونه است و درصد خانواده‌های مردانی که دارای نگرش مثبت بوده‌اند ۸/۱ درصد بیشتر از خانواده‌های زنانی است که نگرش مثبت داشته‌اند (خانواده‌های مردان نگرش مثبت‌تری داشته‌اند). درصد زنانی که دارای دوستانی با نگرش منفی به معاشرت و دوستی دختر و پسر پیش از ازدواج هستند، بیش از سه برابر مردانی است که دارای دوستانی با نگرش منفی هستند. همچنین در قسمت نگرش پاسخگو مشاهده می‌شود که درصد زنان با نگرش منفی ۲/۵ برابر درصد مردان با نگرش منفی بوده است.

۲. گرچه انتظار می‌رفت که تفاوت نگرش دانشجویان با خانواده‌هایشان زیاد باشد ولی به نظر می‌رسد پاسخگویان سعی بر هماهنگ جلوه دادن نگرش خانواده‌ها با نگرش خودشان داشته‌اند. با این حال نتایج به دست آمده

از آزمون آماری مجذور خی ($\chi^2 = 121/691$, $df = 4$, $P < 0/001$) گویای معنا دار بودن تفاوت میان نگرش خانواده و نگرش دانشجویان است. آن چه از تفاوت جهت گیری خانواده‌ها با فرزندانشان در رابطه با دوستی و معاشرت دختر و پسر پیش از ازدواج می‌توان دریافت این است که نوعی تفاوت نسلی میان خانواده‌ها و فرزندانشان در مورد ارزش‌ها و نگرش‌ها درباره‌ی مسایل اجتماعی به ویژه این گونه معاشرت‌ها و دوستی‌ها وجود دارد. آن چه از این تفاوت در سطح کلان می‌توان نتیجه گرفت این‌که: یک تغییر و دگرگونی ارزشی، نگرشی و فرهنگی در جامعه رخ داده است.

۶. یافته‌های استنباطی

همان گونه که در جدول شماره ۴ مشاهده می‌شود، به منظور بررسی رابطه‌ی اولویت‌های ارزشی مادی/فرامادی دانشجویان با نگرش آن‌ها به معاشرت و دوستی دختر و پسر پیش از ازدواج از تحلیل واریانس استفاده شده است. شایان ذکر است از درستی تمامی پیش‌فرض‌های تحلیل واریانس اطمینان حاصل شده است. طبق نظریه‌ی اینگلهارت، اولویت‌های ارزشی افراد به چهار گروه مادیرا، التقاطی مادیرا، التقاطی فرامادیرا و فرامادیرا تقسیم شده است که به ترتیب دارای میانگین‌های ۹۰/۳۰، ۹۹/۱۳، ۱۰۳/۹۲ و ۱۰۸/۹۳ در نگرش به معاشرت و دوستی دختر و پسر بوده‌اند. مقدار $F = ۷/۶۱۶$ و سطح معناداری $sig/000$ تفاوت میانگین میان گروه‌ها را معنادار می‌داند. بنابراین فرضیه‌ی ما با ($p < 0/01$) تایید می‌گردد. یافته‌ها نشان می‌دهد که هر چه از طرف افراد با اولویت‌های ارزشی مادی به سمت افراد با اولویت‌های ارزشی فرامادی می‌رویم میانگین نگرش آن‌ها به معاشرت و دوستی دختر و پسر مثبت تر می‌شود. به عبارت دیگر افراد به داشتن چنین معاشرت‌هایی تمایل بیشتری نشان می‌دهند. این یافته موید نظریه‌ی اینگلهارت و یافته‌های تجربی اوست که کسانی باید به این ارزش جدید تمایل بیشتری نشان دهند که فرامادی هستند. و مادیون باید مطابق با ارزش‌ها و هنجارهای سنتی در مقابل آن جزم‌گراتر و ناشکیبا باشند (اینگلهارت، ۲۴۰-۲۱۸: ۱۳۸۳).

جدول ۴: تحلیل واریانس نگرش به معاشرت و دوستی دختر و پسر پیش از ازدواج با اولویت‌های ارزشی دانشجویان

اولویت‌های ارزشی	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	Levene's Test, Sig	مقدار Eta	مقدار F	سطح معنی‌داری
مادیرا	۲۰۶	۹۰/۳۰	۲۶/۵۲۶	۰/۲۸۵	۰/۰۵۵	۷/۶۱۶	۰/۰۰۰
التقاطی/مادیرا	۱۰۷	۹۹/۱۳	۲۵/۳۴۰				
التقاطی/فرامادیرا	۵۳	۱۰۳/۹۲	۲۸/۰۱۶				
فرامادیرا	۲۷	۱۰۸/۹۳	۲۱/۳۹۵				

فرضیه‌ی دوم این مطالعه، رابطه بین اعتقادات دینی افراد و نگرش آن‌ها نسبت به معاشرت و دوستی دختر و پسر پیش از ازدواج می‌باشد که برای بررسی آن از رگرسیون استفاده شده است. بر اساس نتایج به دست آمده، همبستگی متوسطی ($R = 0/435$) میان اعتقادات دینی و نگرش دانشجویان وجود دارد. مقدار $R^2 = 189$ نشان می‌دهد که متغیر مستقل ۱۸/۹ درصد از واریانس متغیر وابسته را در جمعیت نمونه تبیین می‌کند. همین مقدار برای کل جامعه‌ی آماری ۱۸/۷ درصد است. ضریب بتا $Beta = -0/435$ ، جهت منفی و معکوس رابطه‌ی دو متغیر را نشان می‌دهد. ضریب $B = -1/643$ گویای این است که به ازای هر واحد افزایش در متغیر مستقل (اعتقادات دینی) $1/643$ واحد از متغیر وابسته (نگرش) کاسته می‌شود. معنادار بودن رابطه‌ی بالا را مقدار $T = -9/622$ و سطح معناداری $sig = 000$ نشان می‌دهند. بنابراین فرضیه بالا با فاصله‌ی اطمینان $P < 0/01$ تأیید می‌شود. همچنین مقدار $F = 92/581$ و سطح معناداری $sig = 000$ الگوی بالا را تأیید می‌کند. یافته‌های این بخش از تحقیق نیز یافته‌های اینگلهارت را مبنی بر این‌که افراد دیندارتر نسبت به بسیاری از مسایل مانند روابط نامشروع، ناشکیبا ترند را تأیید می‌کند (اینگلهارت، ۲۲۰: ۱۳۸۳؛ اینگلهارت و بیکر، ۱۹: ۲۰۰۱؛ اینگلهارت و دیگران، ۳۸۸: ۲۰۰۴)

فرضیه‌ی سوم بیانگر رابطه‌ی میان پایبندی به ارزش‌های دینی به وسیله‌ی فرد و نگرش نسبت به معاشرت و

دوستی دختر و پسر پیش از ازدواج است. بر اساس نتایجی که در جدول ۵ انعکاس یافته، پایبندی به ارزش‌های دینی همبستگی بسیار بالایی ($R=0/810$) با نگرش افراد دارد. مقدار $R^2=0/655$ نشان می‌دهد که پایبندی به ارزش‌های دینی ۶۵/۵ درصد از واریانس متغیر وابسته (نگرش) را در نمونه تبیین می‌کند، درصد تبیین واریانس متغیر وابسته‌ی توسط متغیر مستقل در کل جامعه آماری دانشجویان نیز ۶۵/۵ درصد می‌باشد. مقدار بتا ($Beta=-0/810$) بیانگر وجود رابطه‌ی معکوس و منفی میان پایبندی به ارزش‌های دینی و نگرش به معاشرت و دوستی دختر و پسر است. به گونه‌ای که به ازای هر واحد افزایش در متغیر مستقل با توجه به $B=-2/389$ ، $B=2/38$ واحد، از نمره‌ی متغیر وابسته کاسته می‌شود. مقدار $T=-27/449$ و سطح معناداری $sig=0/000$ گویای آن است که رابطه‌ی پایبندی به ارزش‌های دینی با نگرش، در سطح اطمینان $P<0/01$ معنادار می‌باشد. مقدار بالای $F=753/435$ و سطح معناداری $sig=0/000$ نشان می‌دهد که مدل ما در سطح اطمینان $P<0/01$ تأیید می‌گردد.

در این پژوهش طبق سنخ‌شناسی اینگلهارت درباره‌ی ارزش‌ها، نگرش مثبت به معاشرت و دوستی دختر و پسر پیش از ازدواج یک ارزش سکولار - عقلانی می‌باشد. رابطه‌ی اعتقادات دینی و پایبندی به ارزش‌های دینی با نگرش دانشجویان این مسئله را تأیید می‌کند. چرا که اعتقادات و ارزش‌های دینی بر طبق نظریات اینگلهارت جزو ارزش‌های سنتی^{۲۵} هستند که در تقابل با ارزش‌های سکولار - عقلانی^{۲۶} مطرح می‌شوند. رابطه‌ی تقابلی این دو ارزش در مطالعه‌ی ما بر طبق جهت منفی و معکوس رابطه‌ی ارزش‌های دینی با نگرش به معاشرت و دوستی دختر و پسر ($Beta=-0/810$) مشخص می‌شود. ارزش‌های سنتی در تمامی ابعاد زندگی اجتماعی، تأکید زیادی بر دین دارند. ولی ارزش‌های سکولار و عقلانی در جهت خلاف ارزش‌های سنتی عمل می‌کنند (اینگلهارت و بیکر، ۱۶: ۲۰۰۱). متغیر اعتقادات دینی گر چه همبستگی متوسطی در جهت منفی و معکوس با نگرش داشت ولی در مقایسه با متغیر پایبندی به ارزش‌های دینی، از قدرت تبیین‌گری بسیار کمتری برخوردار می‌باشد. به گونه‌ای که متغیر پایبندی به ارزش‌های دینی ۶۵ درصد از متغیر وابسته (نگرش) را تبیین می‌کند، ارزش‌های دینی متغیری بسیار پرنفوذتر و تاثیر گذارتر درباره‌ی روابط میان دو جنس مخالف است تا اعتقادات مذهبی. مسئله‌ای که اینگلهارت هم در تحقیقات وسیع خود به آن دست پیدا کرده است. او معتقد است سنت‌های دینی تاثیر بادوام و پرنفوذی در نظام ارزشی جوامع دارد؛ نکته‌ای که وبر وهانتینگتون نیز به آن اشاره کرده‌اند (اینگلهارت و بیکر، ۳۱: ۲۰۰۰).

در جدول شماره ۵ نتایج تحلیل رگرسیون میان نگرش خانواده با نگرش دانشجویان مشاهده می‌شود. همان‌گونه که از یافته‌ها استنباط می‌شود، همبستگی نسبتاً بالایی ($R=0/592$) میان نگرش خانواده با نگرش دانشجویان وجود دارد. با توجه به مقدار $R^2=0/351$ می‌توان گفت متغیر نگرش خانواده ۳۵/۱ درصد از متغیر وابسته (نگرش) را در نمونه و تنها با کمی کاهش، یعنی ۳۴/۹ درصد از واریانس متغیر وابسته را در کل جامعه‌ی آماری دانشجویان تبیین می‌کند. مقدار ضریب $Beta=0/592$ همبستگی مستقیم و مثبت را میان دو متغیر نشان می‌دهد. با توجه به مقدار ضریب B می‌توان گفت به ازای هر واحد افزایش در متغیر مستقل، ۱/۷۸ واحد به متغیر وابسته (نگرش) اضافه می‌شود. مقدار $T=14/633$ و سطح معناداری $sig=0/000$ گویای آن است که رابطه‌ی میان نگرش خانواده و نگرش دانشجو با فاصله‌ی اطمینان $P<0/001$ معنادار است. در نتیجه، فرضیه چهارم تأیید می‌شود. همچنین مقدار $F=214/118$ و سطح معناداری $sig=0/000$ نشان‌دهنده قابل تأیید بودن مدل تحقیق می‌باشد.

رابطه‌ی نگرش دوستان با متغیر وابسته (فرضیه پنجم) نیز در جدول شماره ۵ انعکاس یافته است، و گویای وجود همبستگی بالایی ($R=0/696$) میان این دو متغیر است. مقدار $R^2=0/484$ نشان می‌دهد که متغیر نگرش دوستان ۴۸/۴ درصد از واریانس متغیر وابسته (نگرش فرد) را در نمونه مورد مطالعه، و تنها با یک دهم کاهش ۴۸/۳ درصد واریانس متغیر وابسته را در کل جامعه‌ی آماری دانشجویان تبیین می‌کند. مقدار ضریب بتا $Beta=0/696$ گویای وجود رابطه‌ی مثبت و مستقیم میان دو متغیر بالا است. مقدار $B=2/518$ گویای آن است که به ازای هر واحد افزایش در متغیر مستقل (نگرش دوستان) ۲/۵۱۸ واحد به متغیر وابسته (نگرش فرد) اضافه می‌شود. مقدار $F=19/266$ و سطح معناداری $sig=0/000$ رابطه‌ی بالا میان متغیرهای نگرش دوستان و نگرش دانشجو را معنادار می‌داند. بنابراین فرضیه‌ی بالا با فاصله‌ی اطمینان $P<0/001$ تأیید می‌گردد. مقدار بالای $F=371/182$ و سطح معناداری

$\text{sig} = /000$ مدل بالا را نیز تأیید می‌کند. مقایسه‌ی نتایج تحلیل رگرسیون در مورد دو متغیر نگرش دوستان و نگرش خانواده، نشان می‌دهد که تأثیر متغیر نگرش دوستان بیش از متغیر نگرش خانواده بوده است. به عبارتی دیگر نشان دهنده‌ی تأثیرگذاری بیشتر گروه همالان و دوستان بر پاسخگویان است تا خانواده‌هایشان.

فرضیه‌ی هشتم، رابطه‌ی میان درآمد خانواده و نگرش پاسخگو می‌باشد که در جدول ۵ نمایش داده شده است. نتایج به دست آمده گویای آن است که درآمد خانواده همبستگی ضعیفی ($R = /0831$) با نگرش دانشجویان دارد و با توجه به مقدار $T = 1/530$ و سطح معنی‌داری $\text{sig} = /127$ ، این فرضیه تأیید نمی‌گردد.

فرضیه‌ی هفتم این مطالعه رابطه‌ی میان هزینه‌ی شخصی فرد و نگرش می‌باشد. نتایج گویای آن است که هزینه‌ی شخصی رابطه‌ی نسبتاً ضعیفی با نگرش دارد ($R = /174$). با توجه به مقدار $R^2 = /030$ ، هزینه شخصی دانشجویان تنها ۳ درصد از واریانس متغیر وابسته را در نمونه تبیین می‌کند که این میزان برای کل جامعه‌ی آماری ۲/۷ درصد می‌باشد. مقدار $\text{Beta} = /174$ رابطه‌ی مثبت و مستقیم را میان دو متغیر بالا نشان می‌دهد؛ یعنی با افزایش هزینه‌ی شخصی دانشجویان، نگرش او به معاشرت و دوستی دختر و پسر پیش از ازدواج نیز افزایش می‌یابد. ولی مقدار $B = /000$ نشان می‌دهد که به ازای هر واحد افزایش در هزینه‌ی شخصی، هیچ واحدی به نمره‌ی نگرش فرد اضافه نمی‌شود با توجه به مقدار $T = 3/253$ و سطح معناداری $\text{sig} = /001$ ، رابطه‌ی میان این دو متغیر با فاصله‌ی اطمینان $P = /001$ معنادار می‌باشد. در نتیجه‌ی فرضیه بالا تأیید می‌گردد.

در ارتباط با دو فرضیه‌ی یاد شده، چند نکته قابل یادآوری است. (۱) لحاظ کردن متغیر درآمد خانواده در میان متغیرهای مستقل ناشی از این امر بوده است که آن را به عنوان یکی از شاخص‌های فرضیه‌ی کمیابی^{۲۷} در نظریه اینگلهارت در نظر گرفته‌ایم. بدین معنا که کسانی که دارای درآمد خانوادگی بالا می‌باشند، احتمال این‌که به دلیل داشتن امنیت سازنده جهت‌گیری‌هایشان به سمت ارزش‌های سکولار - عقلانی^{۲۸} در مقابل ارزش‌های سنتی^{۲۹} بیشتر باشد، زیادتر است. ولی از آن‌جا که درآمد خانواده‌ی فرد به خوبی نمی‌تواند گویای وضعیت دانشجویان از نظر امنیت سازنده باشد، درآمد خود دانشجویان باید مورد سوال قرار می‌گرفت. اما با توجه به این‌که بیشتر دانشجویان دارای شغل و درآمد نبودند، هزینه‌ی شخصی دانشجویان به عنوان شاخص، برای فرض کمیابی نظریه‌ی اینگلهارت در نظر گرفته شد. (۲) معنادار شدن رابطه‌ی میان هزینه‌ی شخصی فرد و نگرش، نشان داد که همان‌گونه که پیش‌بینی شده بود، متغیر هزینه‌ی شخصی پیش‌بینی کننده‌ی بهتری به نسبت درآمد خانواده می‌باشد.

جدول ۵: آزمون رابطه‌ی اعتقادات دینی، پایبندی به ارزش‌های دینی، نگرش خانواده، نگرش دوستان، درآمد خانواده و هزینه‌ی شخصی با نگرش فرد به معاشرت و دوستی دختر و پسر پیش از ازدواج

نام متغیر	R	R ²	Ad. R2	SD	ضریب B	Beta	T	F	سطح معنی داری
اعتقادات دینی	0/435	0/189	0/187	0/171	-1/643	-0/435	-9/622	92/581	0/000
ارزش‌های دینی	0/810	0/655	0/655	0/087	-2/389	-0/810	-27/449	753/435	0/000
نگرش خانواده	0/592	0/351	0/349	0/122	1/781	0/592	14/633	214/118	0/000
نگرش دوستان	0/696	0/484	0/483	0/131	2/518	0/696	19/266	371/182	0/000
درآمد خانواده	0/083	0/007	0/004	0/000	0/005333	0/083	1/530	2/340	0/127
هزینه شخصی	0/174	0/030	0/027	0/000	0/000	0/174	3/253	10/579	0/001

فرضیه‌ی هشتم، رابطه‌ی میان جنسیت و نگرش در جدول شماره ۶ به نمایش گذاشته شده، و همان‌گونه که مشاهده می‌شود، از آزمون تی مستقل^{۳۰} برای دریافت تفاوت معناداری میان میانگین نمرات زنان و مردان استفاده شده است. مقدار $T = 8/415$ با سطح معنی‌داری $P < /001$ گویای آن است که تفاوت معناداری بین میانگین نمرات مردان ($107/69$) با میانگین نمرات زنان ($86/79$) در نگرش به معاشرت و دوستی دختر و پسر پیش از ازدواج وجود دارد. بنابراین فرضیه‌ی ما با فاصله‌ی اطمینان $P < /001$ تأیید می‌گردد. برای محاسبه‌ی اندازه‌ی تأثیر^{۳۱} متغیر جنس بر

متغیر نگرش، از مجذور اتا^{۳۲} استفاده شده است. مقدار مجذور اتا برای متغیرهای جنسیت و نگرش، برابر با $\text{Eta} = 0/151$ می‌باشد که نشان‌دهنده‌ی تاثیر زیاد جنسیت بر نگرش است. به عبارت دیگر، جنسیت ۱۵/۱ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کند.

جدول ۶: آزمون تفاوت میانگین نگرش به معاشرت و دوستی دختر و پسر پیش از ازدواج بر حسب جنسیت

جنسیت	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	Levene's Test, Sig	مجدور Eta	مقدار T	سطح معنی داری
مرد	۱۷۵	۱۰۷/۶۹	۲۵/۲۲۰	۰/۹۲۶	۰/۱۵۱	۸/۴۱۵	۰/۰۰۰
زن	۲۲۳	۸۶/۷۹	۲۴/۰۷۵				

۷. تحلیل چند متغیره

در جداول شماره ۷ با استفاده از معادله‌ی رگرسیون چند متغیره استاندارد^{۳۳} (Enter) به روش همزمان، به تبیین متغیر وابسته (نگرش به معاشرت و دوستی دختر و پسر پیش از ازدواج) پرداخته شده است. متغیرهایی که وارد معادله‌ی رگرسیون چند متغیره شده‌اند، هفت متغیر بوده‌اند که در جدول مشخص می‌باشند. در رگرسیون چند متغیره استاندارد تمامی متغیرها به طور همزمان وارد معادله می‌شوند و هر متغیر (جدای از دیگر متغیرها)، بر اساس اینکه چه مقدار از واریانس متغیر وابسته را پیش‌بینی می‌کند سنجیده می‌شود (آلیستر، ۲۰۰۲: ۱۸۵). همان‌گونه که در جدول دیده می‌شود، متغیرهای مدل، در نهایت توانسته‌اند ۸۷/۶ درصد ($R^2 = 0/876$) از واریانس متغیر وابسته را در نمونه و ۷۶/۸ درصد ($R^2 = 0/768$) از واریانس متغیر وابسته را در جامعه‌ی آماری تبیین کنند. این مقدار بسیار بالا، نشان‌دهنده‌ی برازش خوب مدل و متغیرهای انتخاب شده است.

با توجه به مقادیر Beta برای هر کدام از متغیرها، که در جدول مشخص می‌شود که از میان متغیرهایی که رابطه‌ی ای معنادار داشته‌اند متغیرهای پایبندی به ارزش‌های دینی و درآمد خانواده با متغیر وابسته، دارای جهت معکوس و منفی است و متغیرهای نگرش خانواده، نگرش دوستان و جنسیت دارای رابطه‌ی مستقیم و مثبت با متغیر وابسته هستند و متغیرهای اولویت‌های ارزشی، اعتقادات دینی و هزینه‌ی شخصی با متغیر وابسته، رابطه‌ی معناداری ندارند. از میان متغیرها، متغیر پایبندی به ارزش‌های دینی، توانسته است بیشترین مقدار از واریانس نگرش دانشجویان را تبیین و پیش‌بینی کند؛ بنابراین تاثیر گذارترین متغیر در نگرش دانشجویان می‌باشد. مقدار بسیار بالای $F = 124/162$ و سطح معناداری آن $\text{Sig} = 0/000$ مدل بالا را با فاصله‌ی اطمینان $P > 0/001$ تایید می‌کند.

جدول ۷: همبستگی متغیرهای درون معادله با متغیر وابسته برای پیش‌بینی نگرش دانشجویان

نام متغیر	B	Beta	مقدار T	سطح معنی داری
پایبندی به ارزش‌های دینی	-۱/۶۶۸	-۰/۵۶۵	-۱۳/۸۷۴	۰/۰۰۰
نگرش دوستان	۰/۸۶۴	۰/۲۳۹	۶/۳۳۲	۰/۰۰۰
جنسیت ۱	۸/۴۴۱	۰/۱۵۷	۵/۰۹۹	۰/۰۰۰
نگرش خانواده	۰/۳۸۳	۰/۱۲۷	۳/۶۰۷	۰/۰۰۰
درآمد خانواده	-۴/۰۶E-۰۶	-۰/۰۶۳	-۲/۰۲۶	۰/۰۴۴
اعتقادات دینی	-۹/۳۶E-۰۲	-۰/۰۲۵	۰/۷۵۶	۰/۴۵۰
اولویت‌های ارزشی	۰/۲۷۳	۰/۰۰۶	۰/۲۲۰	۰/۸۲۶
هزینه شخصی	-۳/۷۷۳E-۰۶	۰/۰۰۵	۰/۱۵۹	۰/۸۷۴

$a = 103/116$ $R = 0/876$ $R^2 = 0/768$ $R^2.Ad. = 0/762$ $F = 124/162$ $\text{Sig.} = 0/000$

۸. بحث و نتیجه گیری

یکی از پدیده‌های اجتماعی جامعه معاصر ایران، پدیده نوظهور معاشرت و دوستی دختر و پسر پیش از ازدواج است که با توجه به پیامدهای آن، نگرانی‌هایی را در سطوح مختلف اجتماعی بوجود آورده است. پدیده‌ی یاد شده می‌تواند نهادهای خانواده، ازدواج و دین را با چالش‌هایی جدی روبه‌رو کند. این پژوهش با هدف بررسی و شناخت نگرش جوانان به ویژه دانشجویان، نسبت به معاشرت و دوستی دختر و پسر پیش از ازدواج و همچنین بررسی رابطه، عوامل اجتماعی و فرهنگی با نگرش آن‌ها انجام شده است. نتایج تحقیق نشان دهنده‌ی نگرش مثبت دانشجویان نسبت به این معاشرت‌هاست. تنها ۲۳/۶ درصد از دانشجویان دارای نگرش منفی به معاشرت و دوستی دختر و پسر پیش از ازدواج بوده‌اند. ۵۰/۸ درصد دارای نگرش میانه و ۲۵/۶ درصد از آن‌ها دارای نگرش مثبت می‌باشند. این در حالی است که نگرش خانواده‌ی دانشجویان به چنین معاشرت‌هایی، محافظه‌کارانه‌تر و منفی‌تر از نگرش خود دانشجویان می‌باشد که نمایانگر شکاف یا تفاوت نسلی درون خانواده‌ها در مورد نگرش‌ها و ارزش‌ها درباره‌ی روابط میان دختر و پسر پیش از ازدواج است. همچنین نتایج نشان داده است که ۸۵ درصد از پاسخگویان دارای اعتقادات دینی بالایی بوده‌اند. این در حالی است که میزان پایبندی آنان به ارزش‌های دینی در رابطه با روابط میان دو جنس بسیار پایین است، به گونه‌ای که تنها ۱۵/۳ درصد از دانشجویان پایبندی زیادی به ارزش‌های دینی داشته‌اند.

پایبندی اندک به ارزش‌های دینی در زمینه‌ی روابط دختر و پسر پیش از ازدواج، همان‌گونه که پیتز برگر در رابطه با کاهش اهمیت دین در جوامع مدرن و اروپایی معتقد است، نشان دهنده‌ی فرو کاهش نشانگان اخلاقی سنتی، فروپاشی کدهای معانی جمعی و فرسایش حد و مرزهای اجتماعی در جامعه‌ی ماست. پیتز برگر در تفسیر علت این امر، آن را ناشی از فردگرا و ذره‌ای شدن سیستم معانی جمعی می‌داند. عقلانیت مدرن، فردی‌سازی اعتقادات است. همان‌گونه که هرویو لژه تاکید می‌کند، این قضایا بر پایان دین و دینداری دلالت نمی‌کند اما به بازسازی وسیع سیستم‌های نهادی اعتقاد ورزی حاکم بر جامعه اشاره دارد (هرویو لژه، ۱۲۵: ۲۰۰۱). به نظر می‌رسد نوعی فردگرایی و بازسازی سیستم احکام و ارزش‌های دینی در میان قشر دانشجویان به وجود آمده که آن‌ها تفاسیر فردی از این احکام ارائه می‌دهند ولی این نشان دهنده‌ی بی‌دینی آن‌ها نمی‌باشد. یکی از دلایلی که اینگلهارت برای افول جهان بینی‌های سنتی و دینی عنوان می‌کند و به نظر می‌رسد در جامعه‌ی ما هم پذیرفتنی باشد مساله «همسانی شناختی» است. در این دیدگاه مردم در پی همسانی درونی‌اند؛ از این رو، جهان بینی آن‌ها با تجربه‌ی روزانه شان همسان می‌گردد. آن‌ها سعی دارند در مواردی که مشاهدات روزمره شان با ذهنیاتشان در تناقض می‌باشد، ارزش‌ها و نگرش‌های ذهنی شان را با تجربه‌هایشان همسان کنند. در نتیجه، ارزش‌ها و نگرش‌های خود را تغییر می‌دهند (اینگلهارت، ۲۰۴: ۱۳۸۳). آنچه از پاسخ دانشجویان به گویه‌های طیف پایبندی به ارزش‌های دینی و درباره‌ی روابط دختر و پسر می‌توان فهمیده آن است که افراد نمونه دارای نوعی «دینداری سکو لار» هستند و درصدد ترکیب اجزا و عناصر دین و ارزش‌های سنتی با عناصر و شیوه‌ی زندگی مدرن می‌باشند و این ارزش‌ها را دیگر جوابگوی مقتضیات ویژه دنیای حاضر نمی‌دانند. بنابراین ما با پدیده‌ای به نام انتخاب‌گری جوانان در عرصه‌ی ارزش‌ها و عناصر دینی مواجه هستیم.

تفکیک نتایج در این قسمت برحسب جنسیت، گویای میزان بالای اعتقادات دینی و پایبندی به ارزش‌های دینی از سوی دختران است تا پسران. به طور کلی تمامی نتایج تحقیقات در زمینه‌ی دینداری و ارزش‌های دینی، دینداری بیشتر زنان را نسبت به مردان نشان می‌دهد (دواس، ۳۹۸-۴۱۰: ۱۳۸۱؛ والتر و دیوی، ۶۵۰-۶۵۸: ۱۹۹۸؛ آلموند و وربا، ۳۲۵: ۱۹۶۳). اینگلهارت نیز از جمله مسایلی را که ویژگی پایدار و به خوبی اثبات شده‌ی زنان می‌داند، محافظه‌گرایی زنان در مسایل اجتماعی به ویژه امور دینی است (اینگلهارت و نوریس، ۴۴۲-۴۴۳: ۲۰۰۰). آن‌ها دلایلی چون محافظه‌کاری زنان، تفاوت در نوع جامعه‌پذیری، شرکت کمتر زنان در نیروی کار، این که دین برای زنان به عنوان یک جبران‌کننده‌ی محرومیت اجتماعی وزیر دست بودن آن است و زنان بیشتر از مردان احساس گناه می‌کنند و چون یکی از کارکردهای دین کاهش احساس گناه است زنان بیش از مردان به دین احساس نیاز می‌کنند و دلایلی دیگر را عنوان می‌کنند.

تفاوت دیگر دختران و پسران علاوه بر میزان پایبندی آن‌ها به ارزش‌ها و اعتقادات دینی، در نوع نگرش آن‌ها

می‌باشد. به گونه‌ای که دختران نگرش منفی تری به نسبت پسران به این گونه معاشرت‌ها داشته‌اند. محققان دلایل متعددی را برای این یافته عنوان می‌کنند:

الف) جامعه‌پذیری جنسیتی که زنان و مردان را به گونه‌ای متفاوت با هنجارها و ارزش‌های جامعه آشنا می‌کند، کنترل، نظارت و حساسیت بیشتری به دختران و زنان دارد تا پسران و مردان و این عامل موجب شکاف جنسیتی در نگرش‌ها، عقاید و ارزش‌های زنان و مردان به بسیاری از مسایل و پدیده‌های اجتماعی می‌شود. اینگلهارت شکاف جنسیتی را به تمامی تفاوت‌های زنان و مردان از قبیل تفاوت در مشارکت، نگرش‌ها و عقاید و دینداری اطلاق می‌کند. از نظر او یکی از خصیصه‌های به خوبی اثبات شده برای زنان محافظه‌کاری است (اینگلهارت و نوریس، ۲۰۰۰: ۴۴۲). البته خانواده‌ها در جامعه‌ی ما با آگاهی از آسیب‌های بیشتری که دختران را در این روابط تهدید می‌کند، آنان را از درگیر شدن در چنین معاشرت‌هایی باز می‌دارند و نظارت‌های شدیدتری را بر آن‌ها اعمال می‌کنند. درحالی‌که ممکن است در مورد رفتارهای پسران چندان سختگیری نکنند و نسبت به آن‌ها آزادانه تر برخورد کنند. بنابراین بخشی از یافته‌ی بالا نیز متأثر از این واقعیت است که زنان و دختران در خانواده‌ها این تفاوت‌ها را واقعاً تجربه کرده‌اند.

ب) برخی دیگر، رفتارها و نگرش‌های متفاوت زنان و مردان را زیر عنوان کلیشه‌های اجتماعی تبیین می‌کنند. کلیشه‌ها یا تصورات قالبی جنسیتی، اعتقادات و باورهای فرهنگی جامعه را درباره‌ی آن‌چه زنان و مردان باید انجام دهند منعکس می‌کنند. این تصورات و انتظارات که مبتنی بر نقش‌های جنسیتی هستند از راه نهادهای مختلف به افراد منتقل می‌شود و افراد سعی می‌کنند در کنش‌های متقابل با محیط‌های اجتماعی بر اساس درکی که از کلیشه‌ها و انتظارات جامعه دارند عمل کنند (ظهره وند، ۱۳۶: ۱۳۸۳). کلیشه‌های اجتماعی در جامعه‌ی ما زن و دختری را «خوب» تلقی می‌کند که از هر نوع ارتباط با جنس مخالف خود که نامحرم باشد بپرهیزد و کسانی که این انتظارات را برآورده نمی‌کنند، دخترانی «بد» اطلاق می‌شوند و در بیشتر موارد چنین کلیشه‌هایی معیارهای مردان برای انتخاب همسر می‌شوند؛ بنابراین دختران و زنان سعی می‌کنند مطابق با کلیشه‌های اجتماعی عمل کنند یا حداقل در انظار عمومی و اجتماع چنین نقش‌هایی را بازی کنند.

ج) مسئله‌ی اصلی مورد علاقه‌ی همه‌ی نظریه پردازان، مبادله‌ی^{۳۴} وابستگی درونی روابط میان افراد و جریان واقعی رفتار اجتماعی است. نظریه‌ی مبادله‌ی اجتماعی در جهت توزیع و تبیین رابطه‌ی میان افراد براساس پاداش و هزینه می‌پردازد (آزاد، ۲۴۹: ۱۳۸۱). بر اساس این نظریه افراد در روابط اجتماعی‌شان به دنبال به حداکثر رساندن پاداش و حداقل کردن هزینه‌ها هستند. زنان و مردان در داشتن چنین معاشرت‌هایی سود و منفعت متفاوتی دارند، آن‌چه مشخص است زنان به ویژه در ایران، هزینه‌های اجتماعی و عاطفی بیشتری می‌پردازند. نتایج تحقیقات خارجی نشان داده است که مردان، داشتن معاشرت را یک فرصتی مناسب می‌دانند که می‌توانند با هزینه‌ی بسیار پایین تجربه کنند. این در حالی است که زنان با خطر سوءاستفاده‌ی جنسی از طرف مردی ممکن است که هیچ‌گونه تعهدی به او نداشته باشد روبه‌رو هستند. شواهد بسیار زیادی وجود دارد که زنان بسیار کمتر از مردان مشتاق درگیر شدن در چنین روابطی می‌باشند. نتایج مطالعه‌ی نشان داده است که مردان آرزوی داشتن رابطه‌ی جنسی زود هنگام بیشتری دارند، همچنین تمایل آن‌ها به داشتن چندین دوست از جنس مخالف است در حالی که این مسئله برای زنان صادق نمی‌باشد (داگلاس و دیگران، ۱۲۳: ۲۰۰۴؛ کارول و دیگران، ۱۹۸۵؛ بلسک و باس، ۱۳-۱۰: ۲۰۰۱).

در زمینه‌ی اولویت‌های ارزش‌های مادی و فرامادی، نتایج نشان داده است که تنها ۶/۸ درصد از افراد نمونه دارای اولویت‌های ارزشی فرامادی و ۵۴/۴ درصد از دانشجویان دارای اولویت‌های ارزشی مادی‌گرایانه می‌باشند. در این میان درصد زنان مادی‌گرا بیش از مردان بوده است. نتایج تجزیه و تحلیل یافته‌ها نیز نشان داد که تمامی متغیرهای فرهنگی (اولویت‌های ارزشی مادی / فرامادی، اعتقادات دینی و پایبندی به ارزش‌های دینی) و تمامی متغیرهای اجتماعی (نگرش خانواده و نگرش دوستان) با متغیر وابسته، رابطه‌ی معناداری داشته است و در تحلیل چند متغیره، متغیرهای مدل تحقیق توانسته‌اند ۷۶/۸ درصد از واریانس متغیر وابسته را پیش‌بینی نمایند. اگر مقایسه‌ای میان تاثیر متغیرهای مربوط به فرض جامعه‌پذیری (اعتقادات دینی، پایبندی به ارزش‌های دینی، نگرش خانواده، نگرش دوستان) بر نگرش افراد و تاثیر متغیرهای مربوط به فرض کمیابی (درآمد خانواده و هزینه شخصی) داشته باشیم متوجه خواهیم شد که

متغیرهایی که از فرایند جامعه‌پذیری فرد سرچشمه می‌گیرد، بسیار بیشتر از متغیرهای کمیابی تاثیر گذار است و فرایند جامعه‌پذیری یکی از عوامل بسیار مهم در جهت‌گیری نسبت به بسیاری از مسایل اجتماعی در بزرگسالی است. این فرایند جامعه‌پذیری متفاوت نسل‌های گوناگون در یک جامعه است که تغییرات و دگرگونی‌های فرهنگی و اجتماعی را باعث می‌شود.

نتایج به دست آمده از این پژوهش نشان می‌دهد که تغییرات نگرشی و ارزشی در ارتباط با معاشرت و دوستی دختر و پسر پیش از ازدواج یکی از نشانگان و مؤلفه‌های تغییرات گسترده‌ی فرهنگی است که در جامعه‌ی در حال گذار ما در حال شکل‌گیری است. شکل‌گیری و باز تولید ارزش‌های جدید، در زمینه‌ی روابط و معاشرت میان دختران و پسران قبل از ازدواج، با توجه به دیدگاه‌های اینگلههارت که به نظر می‌رسد عنصر اصلی و اساسی در تمامی این تغییرات، افزایش امکان انتخاب انسانی و خواست روزافزون جوانان برای این امر می‌باشد. تغییرات نگرشی و ارزشی به شکل تدریجی و آرام اتفاق می‌افتد و نتیجه تجربه‌های متفاوت نسل‌های جدید جامعه در رویارویی با محیط و تلاش برای تطابق با آن می‌باشد. بسیاری از تحقیقات انجام شده در زمینه‌ی دینداری و ارزش‌های اجتماعی (توکلی، ۱۳۸۰؛ طالبی، ۱۳۸۰) یادآور شده‌اند که نگرانی‌های جامعه درباره‌ی دینداری پایین جوانان بی‌مورد است و شاخص‌های دینداری بالاست. در حالی که در این تحقیق نشان داده شد که علیرغم این که در زمینه‌ی اعتقادات دینی جوانان ما با چالشی روبه‌رو نیستند ولی نگرانی‌هایی در مورد پایبند نبودن جوانان به ارزش‌ها و هنجارهای دینی وجود دارد.

یکی از منابع هنجار بخشی و راهنمایی کننده‌ی افراد در زندگی اجتماعی جامعه‌ی ما، هنجارها و ارزش‌های دینی بوده است. در گذشته دین اقتدار خود را بر تمامی کنش‌ها و افعال انسانی اعمال می‌کرد. ولی یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد، که اقتدار سنتی دین و ارزش‌های سنتی و دینی در زمینه‌ی این روابط، جای خود را به ارزش‌های سکولار و عقلانی می‌دهد. به عبارت دیگر نقش دین و هنجارهای دینی در این روابط روز به روز کمرنگ‌تر می‌شود و افراد بر اساس ارزش‌های جدید، عقلانی و سکولار عمل می‌کنند. نگرش مثبت به معاشرت و دوستی دختر و پسر پیش از ازدواج، یک ارزش عقلانی-سکولار است، بدین معنی که فرد با توجه به منافع و سود و زیان خود و بدون در نظر گرفتن ارزش‌های دینی، به سمت داشتن چنین روابطی می‌رود. نکته‌ی قابل توجه در این پژوهش، تاثیر نگرش گروه دوستان دانشجویان می‌باشد که تاکید کننده‌ی این مسئله است که نقش خانواده‌ها در این مقطع سنی و این شرایط تحصیلی (تحصیلات دانشگاهی دور از خانه) بسیار کمرنگ است.

یکی از نیازهای اساسی جوانان نیازهای شدید عاطفی و جنسی است که دیگر نیازها و حتی رفتارهای جوانان را تحت شعاع قرار می‌دهد و از طرفی فشار غریزی چنین نیازهایی بسیار شدید است. از طرف دیگر، جامعه را هکارهای مناسبی برای ارضای مناسب و هنجارمند آن‌ها نیندیشیده است. تغییرات ساختاری جامعه در عرصه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی، در جامعه‌ی امروز امکان ارضای این نیازها را تنها از راه راهکار سنتی و عرفی جامعه، یعنی ازدواج دائم با مشکل روبه‌رو کرده است. شهید مطهری در کتاب *نظام حقوق زن در اسلام* (۱۳۵۹) یادآور می‌شود که درخواست از جوانان برای ازدواج زود هنگام در این دوره درخواستی غیر واقع بینانه است. با توجه به این مسایل ایشان چندین سؤال را مطرح می‌کنند؛ اینکه «در این وضعیت با طبیعت و غریزه انسانی چه رفتاری باید کرد؟ آیا طبیعت و غریزه انسانی حاضر است به خاطر وضعیت اجتماعی این دوره، دوران بلوغ را به تأخیر بیندازد تا جوانان امکان ازدواج بیابند؟ آیا جوانان حاضرند یک دوره «رهبانیت موقت» را طی کنند و خود را سخت تحت فشار و ریاضت قرار دهند تا زمانی که ازدواج دایم فراهم شود؟ اگر هم بپذیرد، آیا طبیعت حاضر است از ایجاد عوارض روانی سهمگین و خطرناکی که در اثر ممانعت از ارضای غریزه جنسی پیدا می‌شود و روانکاوای امروز از روی آن‌ها پرده برداشته است صرف نظر کند؟» (مطهری، ۴۳-۴۲: ۱۳۵۹).

پس در این وضعیت چه باید کرد؟ جامعه باید میان «رهبانیت موقت»، «کمونیسم جنسی» و شیوه‌ی قانونمند، هنجارمند و مشروع برای چنین ارتباط‌هایی، یکی را انتخاب کند. دو راه اول با توجه به پیامدهای منفی اجتماعی، روانی و فرهنگی که دارد مناسب نمی‌باشد. بنابراین، علمای دینی، برنامه ریزان فرهنگی و اجتماعی و مقامات مسئول قانونی و قضایی با همکاری علمای اجتماعی (جامعه‌شناسان، روانشناسان و روحانیان) باید به دنبال کانال‌هایی

قانونی، قاعده‌مند و مشروع برای کسانی باشند که امکان ازدواج برایشان فراهم نیست. جامعه‌ی ما باید با استفاده از تجربیات جوامع غربی از بسیاری از ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی جلوگیری کند. جامعه‌ی ما می‌تواند در عین حال که دینی است - و ارزش‌های دینی جوابگوی نیازهای جدید انسان‌ها هستند - مدرن هم باشد و به پیشرفت‌های جوامع مدرن نیز دست پیدا کند. در این عرصه، جامعه‌شناسی کاربردی و فقه پویای شیعه باید به دنبال کاهش آسیب‌های اجتماعی برای حل و مدیریت چنین بحران‌هایی باشد.

یادداشت‌ها

- | | |
|---|----------------------------------|
| 1. C. Wright Miles | 2. Donileen, R. Losek |
| 3. Interpersonal Relationship | 4. Attraction |
| 5. Attachment Theory | 6. Ronald F. Inglehart |
| 7. World Value Survey | 8. Cultural Heritage |
| 9. Scarcity Hypothesis | 10. Socialization Hypothesis |
| 11. Post Materialism | 12. Materialism |
| 13. Formative Security | 14. Cross Cultural Values |
| 15. Traditional Values VS. Secular –Rational Values | |
| 16. Survival Values VS. Self Expression Value | |
| 17. Mix Sampling | 18. Self-Administered |
| 19. Validity | 20. Face Validity |
| 21. Content Validity | 22. Construct Validity |
| 23. Reliability | 24. Cronbach's Coefficient Alpha |
| 25. Traditional values | 26. Secular-rational values |
| 27. Scarcity Hypothesis | 28. Secular-Rational |
| 29. Traditional | 30. Independent-Sample T. test |
| 31. Effect Size | 32. Eta Square |
| 33. Standard Multiple Regression (Known as Enter) | 34. Exchang Theory |

فهرست منابع

الف. فارسی

- احمدنیا، شیرین و مهریار، هوشنگ. (۱۳۸۳). نگرش وایده‌آل‌های نوجوانان تهران در زمینه‌ی همسرگزینی، فرزندآوری و تنظیم خانواده، مجموعه مقالات دومین همایش انجمن جمعیت شناسی ایران، با عنوان بررسی مسایل جمعیتی ایران با تاکید بر جوانان، دانشگاه شیراز: انتشارات مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه، ۱۹۷-۲۱۸.
- احمدی، حبیب. (۱۳۸۲). روانشناسی اجتماعی، شیراز: نشر دانشگاه شیراز.
- آزاد ارمکی، تقی و غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۳). جامعه شناسی نسلی در ایران، تهران: جهاد دانشگاهی.
- آزاد ارمکی، تقی و دیگران. (۱۳۷۹). بررسی تحولات اجتماعی و فرهنگی در طول سه نسل خانواده تهرانی، مجله‌ی علوم اجتماعی، تهران: دانشگاه تهران، شماره ۱۹.
- آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۸۱). نظریه‌های جامعه شناسی، تهران: انتشارات سروش.
- اینگلهارت، رونالد. (۱۳۸۳). تحول فرهنگی در جوامع پیشرفته صنعتی، ترجمه‌ی مریم وتر، تهران: انتشارات کویر.
- بی، ارل. (۱۳۸۱). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه‌ی رضا، تهران: انتشارات سمت.
- توکلی، مهناز. (۱۳۸۰). ارزش‌های مذهبی دو نسل دختران و مادران، شکاف یا پیوستگی، نامه‌ی پژوهش، جلد ۲۰-۲۱، تهران: نشر فرهنگ و ارشاد.

- جوکار، بهرام. (۱۳۸۳). مقایسه نگرش دانشجویان دانشکده‌های علوم انسانی و مهندسی دانشگاه شیراز به دوستی دختر و پسر، مجموعه مقالات سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان، دانشگاه تربیت مدرس، ۹۲-۹۱.
- خالقی فر، مجید. (۱۳۸۱). بررسی ارزش‌های مادی و فرامادی جوانان تحصیل کرده ایرانی، عوامل موثر بر آن و رابطه آن با برخی نشانگان فرهنگی، نامه پژوهش فرهنگی، ۷ (۳).
- دواس، دی. ای. (۱۳۸۱). پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه‌ی هوشنگ ناییبی، تهران: نشرنی.
- طالبی، ابوتراب. (۱۳۸۰). عملکرد دینی دانشجویان و نمادهای دینداری در میان دانشجویان دفتر، نامه‌ی پژوهش، تهران: نشر فرهنگ و ارشاد، جلد ۲۱-۲۰، ۹۵-۷۷.
- ظهوروند، راضیه. (۱۳۸۳). رابطه ادراک از نقش‌های جنسیتی و رضایت از جنس، مجله پژوهش زنان، ۲ (۲).
- عبداللهیان، حمید. (۱۳۸۳). ارزش سنت و بازتولید فرهنگی، مجموعه مقالات دومین همایش انجمن جمعیت شناسی ایران، با عنوان بررسی مسایل جمعیتی ایران با تاکید بر جوانان، دانشگاه شیراز: انتشارات مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه، ۲۹۰-۲۵۵.
- فرداد، حسین. (۱۳۷۷). بررسی مسایل اجتماعی ایران: فساد اداری، اعتیاد و طلاق، تهران: انتشارات اساطیر.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۱). جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- کریمی، یوسف (۱۳۷۸). روانشناسی اجتماعی؛ نظریه‌ها مفاهیم و کاربردها، تهران: نشر ارسباران.
- کورتز، نورمن. (۱۳۸۳). مقدمه‌ای به آمار در علوم اجتماعی، ترجمه‌ی حبیب ا. تیموری. تهران: نشر نی.
- لوزیک، دانیلین. (۱۳۸۳). نگرشی نو در تحلیل مسایل اجتماعی، ترجمه‌ی سعید معیدفر، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۵۹). نظام حقوق زن در اسلام، تهران: شرکت سهامی عام.
- میلز، سی رایت. (۱۳۸۱). نقدی بر جامعه شناسی آمریکائی: بینش جامعه شناختی، ترجمه‌ی عبدالمعبود انصاری، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. (۱۳۸۲). ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، یافته‌های پیمایش در ۲۸ استان کشور، موج دوم، ویرایش اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر طراح‌های ملی.

ب. انگلیسی

- Alistair, W. K., Howard, K. H. and Stephen, A. K. (2002). **Doing Statistics with SPSS**, London: Sage publication.
- Almond, G. A. and Sidney, V. (1963). **The Civic Culture; Political Attitudes and Democracy in Five Nations**, Princeton, N. J: Princeton University Press.
- Blesk, A. L. and Buss, D. M. (2001). *Opposite-Sex Friendship: Sex Differences and Similarities in Initiation, Selection and Dissolution*, **PSPB**, 27, 1310-1323.
- Carroll, J., Volk, k. D. and Hyde, J. J. (1985). *Preferences in Male and Female in Motives for Engaging in Sexual Intercourse*, **Archive of Sexual Behavior**, 14, 131-139
- Creswell, J. W. (2003). **Research Design Qualitative, Quantitative and Mixed Methods Approaches**, London: Sage Publication, Inc.
- Douglas, T. K. and Melanie, R. T. (2004). *Evolutionary Approaches to Relationships*, in: **Close Relationships**, (Eds.): Harry, T. R. and Caryl, E. R., New Yoark: Psychology Press.
- Feiring, C. and Wyndole, F. (2000). *When Love is Just. Four-Letter Word: Victimization*

and Romantic Relationships, Adolescence Child Maltreatment, 5(4), 293-298.

Hervieu-Léger, D. (2001). *The Two Fold Limit of Secularization*. In: **Peter Berger and the Study of Religion**, (Eds.): Woodhead, L., Heelas, P. and Martin, D., New York: Routledge., 112-126.

Inglehart, R. (2000). *Globalization and Postmodern Values*, **The Washington Quarterly**, 23 (1), 215-222.

Inglehart, R., et al. (2004). **Human Beliefs and Values**, Buenos Aires, Argentina: Siglo Veintiuno Editores.

Inglehart, R., Norris, P. (2000). *The Developmental Theory of the Gender Gap: Women and Men's Behavior in Global Perspective*, **International Political Science Review**, 21(4), 441-463.

Inglehart, R., and Wayne, E. B. (2000). *Modernization, Cultural Change, and the Persistence of Traditional Values*, **American Sociological Review**, 65, 19-51.

Inglehart, R. and Wayne, E. B. (2001). *Modernization's Challenge to Traditional Values: Who's Afraid of Ronald McDonald?* **The Futurist**, 35(2), 16-21.

Rostosky, S. S., et al. (2004). *The Impact of Religiosity on Adolescent Sexual Behavior: A Review of the Evidence*, **Journal of Adolescent Research**, 19(6), 677-697.

Salts, C., et al. (1994). *Attitude Toward Marriage and Premarital Sexual Activity of College Freshman*, **Journal of Adolescence**, 29(116), 762-775.

Walter, T. and Davie, G. (1998). *The Religiosity of Women in the Modern West*, **British Journal of Sociology**, 49(4), 640-660.